فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سال نهم، شماره سی و سوم، بهار ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۹ – ٤٩

مواجهه نعمان بن بشیر با مسلم بن عقیل و کوفیان

زهره صفائی محمدآبادی[۱]
فریناز هوشیار[۲]
فیض‌اله بوشاسب گوشه[۳]

چکیده

انصار از عناصر اصلی مسلمین و اهرم‌های قدرت در صدر اسلام بودند. آنان در وقایع بعد از سقیفه کنار امام علی﵇ قرار گرفته و در حوادث مهم آن زمان ایشان را یاری دادند، با این حال برخی از انصار از جمله بشیر بن سعد خزرجی و فرزندش نعمان بن بشیر والی کوفه در آستانه قیام امام حسین﵇، موضع متفاوتی در پیش گرفتند. این پژوهش با روشی توصیفی- تحلیلی به بررسی عملکرد نعمان بن بشیر در مواجهه با کوفیان و حامیان امام حسین﵇ پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نعمان بن بشیر رفتاری دوگانه، مبهم و گاه متضاد دربرخورد با حوادث مختلف دوران حیات سیاسی‌اش داشته‌است. وی در جریان ورود مسلم بن عقیل به کوفه نیز با وجود عدم تمایل به خاندان علی﵇، در مقابل کوفیان موضع قاطعی اتخاذ نکرد و برای آرام کردن جو سیاسی تنها به ایراد خطبه اکتفا کرد. محتوای این خطبه نشان می‌دهد تساهل یا تعلل رفتاری او از یک‌سو ریشه در وضعیت انصار پس از پیامبرﷺ و تعصبات قبیله‌ای و از سوی دیگر ریشه در منفعت‌طلبی شخصی و تمایل او به کسب قدرت داشت.

کلیدواژه‌ها: انصار، بشیر بن سعد، قیام عاشورا، مسلم بن عقیل، نعمان بن بشیر.

۱- دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. zohre.safaei63@gmail.com
۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد (نویسنده مسؤول). hooshyar_farinaz@yahoo.com
۳- استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد. f.boushasb@yahoo.com.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰٤/۱۵

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

درآمد

انصار در زمان پیامبرﷺ و پس از ایشان همواره از تصمیم‌گیرندگان اصلی در حوادث سیاسی، نظامی و اجتماعی محسوب می‌شدند. بیشتر انصار طرفدار امام علی‌علیه‌السلام و مورد اعتماد وی بودند و در جنگ‌های جمل و صفین در کنار ایشان بودند و امام را به‌عنوان خلیفه برحق قبول داشتند. با این حال برخی از انصار از بیعت با امام علی‌علیه‌السلام سرباز زدند که مهمترین آنها پدر و پسری صحابی از قبله خزرج بودند. بشیر بن سعد از رهبران انصار در سقیفه که در نهایت رأی سرنوشت‌ساز او در کنار اجماع ظاهری اوس و خزرج زمینه‌ساز بیعت با ابوبکر شد. دیگری نعمان بن بشیر بود که پس از ماجرای قتل خلیفه سوم به عرصه سیاست گام نهاد و در این زمینه خط مشی رفتاری دوگانه‌ای در پیش گرفت. وی از جمله والیان اموی بود که در دفاع از حاکمیت امویان و پیشگیری از قیام امام حسین‌علیه‌السلام در زمان حضور مسلم بن عقیل، در مسجد کوفه سخنرانی کرد. تضاد رفتاری نعمان بیش از هر جای دیگری در این خطبه نمود یافته‌است. سخنان دو پهلو و و منفعت‌طلبانه او فاصله زیادی با سیاست‌های تند رایج امویان داشت زیرا او در تلاش بود تا منافع خویش را در آن وضع مبهم حفظ نماید. از این‌رو نرمش و عدم جدیت او در برخورد با معارضان، خشم طرفداران اموی کوفه برانگیخت و برای جلوگیری از روند روبه رشد بیعت با مسلم، از یزید خواستند تا او را عزل کند.

هدف اصلی این پژوهش تحلیل رفتارهای تعلل آمیز نعمان بن بشیر در برخورد با کوفیان و مسلم بن عقیل است. ریشه این دوگانگی و تعلل رفتاری نعمان را می‌توان ناشی از شخصیت و ویژگی‌های فردی، خطوط فکری نعمان، نحوه ارتباطش با خلافت و از سویی شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه اسلامی به‌ویژه شهر کوفه بعد از مرگ معاویه و خلأ قدرت بعد از او دانست.

لازم به ذکر است که منابع در رابطه با عملکرد و شخصیت نعمان اطلاعات اندک ولی مهمی به دست می‌دهند. این کمبود اطلاعات سبب شده تاکنون پژوهش کاملی در این مورد نگاشته نشود. مقاله حسن خانی (۱۳۹۳ش) با عنوان «بررسی نقش بشیر بن سعد و پسرش نعمان در حوادث صدر اسلام» تنها پژوهشی است که به این موضوع

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

توجه کرده است در این مقاله به ریشه‌یابی علل حوادث و تعلل نعمـان توجـه نشـده و صرفاً به نقش بشیر و فرزندش در حوداث تاریخی پرداختـه اسـت. از ایـن‌رو واکـاوی شخصیت، خطوط فکری و منش سیاسی نعمان را به‌عنوان کارگزار حکومـت امـوی در این برهه حساس زمانی ضروری به نظر می‌رسد.

زندگی‌نامه نعمان بن بشیر

شخصیت و ویژگی‌های فردی در بستر مکانی و زمانی شکل می‌گیـرد و تحـت‌تـأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی رشد می‌کند. شخصیت و خطوط فکری نعمـان نیـز زائیـده شرایط حساس فکری سیاسی و اجتماعی آن زمان می‌باشد. بنابراین جهت درک بهتر از علل رفتاری نعمان لازم است نگاهی به زندگی و زمانه وی داشته باشیم به‌ویژه آنکه در آن برهه اهمیت خاستگاه قومی و خاندانی عامل مهمی برای تعریـف جایگـاه افـراد در جامعه بوده‌است.

نعمان بن بشیر اولین مولـود انصـار بعـد از هجـرت، چهـارده مـاه بعـد از هجـرت پیامبرﷺ به مدینه متولد شد (طبـری، ۲/ ٤۰۱؛ ابـن سـعد، ٦ /۱۲۲). برخـی بـه دلیـل روایت‌های بسیار درباره پیامبرﷺ که از او شنیده‌اند، سن او را بیشتر می‌دادند، بنابراین تولدش را قبل از هجرت پیامبرﷺ ذکر کرده‌اند (ابن سعد، ۱۲۲/٦). کنیه او ابوعبدالله، پدرش بشیر بن سعد و مادرش عمره بنت رواحه خواهر عبدالله بن رواحه از بنی‌حارث بود (ابن سعد، ۱۲۲/٦). پدر نعمان، بشیر بن سعد، از انصار و از تیره بنی‌مالک از خزرج مدینه بود (ابن عبدالبر، ۱۷۲/۱). بشیر از بیعت‌کنندگان با پیـامبرﷺ در عقبـه دوم بـود (ابن سعد، ٤۰۲/۳؛ ابن خیاط، ٤٦/۱). او در بدر و احد و بعضی از پیکارهای دیگر نیـز حضور داشت (ابن عبدالبر، ۱۷۳/۱-۱۷۲). بشیر بن سعد در سال ۷ از سوی پیامبرﷺ به همراه ۳۰ تن به‌سوی بنی درّه در فدک گسیل شد، اگرچه همراهان بشیر پیروزی‌های کسب کردند، ولـی وی در میانـه پیکـار چنـان مجـروح شـد کـه همراهـان، ناامیـد از زنده‌بودنش به مدینه بازگشتند (واقدی، ۷۲۳/۲؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۳۷۹/۱). وی در همان سال در مأموریت دیگری به منطقه جناب - جایگاه بنی غَطَفان - بـه غنـائمی دست یافت (واقدی، ۲/ ۷۲۷؛ ابن سعد، ۱۲۰/۲؛ طبری، ۳۰۸/۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

مهم‌ترین نقش‌آفرینی بشیر بن سعد در ماجرای سقیفه بنی‌ساعده، به‌عنوان نخستین بیعت‌کننده انصار با خلیفه اول بود (ابن سعد، ۱۸۲/۳؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۲٤٤/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۷۲/۱-۱۷۳). انصار از ترس تسلط قریش و تنزل جایگاه اجتماعی خود و شواهد مشکوک همچون ماجرای یوم الخمیس و کارشکنی در اعزام سپاه اسامه از سوی مهاجران در سقیمه جمع شده و از فضایل و قدرت شمشیر خود سخن راندند (طبری، ۳/ ۲۲۰؛ ابن اثیر، ۲/ ۳۲۵). در سقیفه رأی بشیر به عنوان یکی از روسای بانفوذ انصار در انتخاب خلیفه تأثیرگذار بود. او خلافت را از قریش می‌دانست و انصار را به دوری از نزاع و اختلاف با مهاجران می‌خواند (طبری، ۳/ ۲۲۱؛ ابن قتیبه، ۱/ ۲۷). حس حسادت و رقابت بشیر نسبت به سعد بن عُباده (بزرگ خزرجیان) و پسرعمه خود، که برای امارت بر انصار در سقیفه بنی‌ساعده تلاش می‌کرد، در شتاب او برای بیعت با ابوبکر بی‌تأثیر نبود و به همین دلیل در سقیفه مورد نکوهش حباب بن منذر قرار گرفت (طبری، ۳/ ۲۲۱-۲۲۳). طبق برخی روایات وی تمایل به بیعت با امام علی علیه‌السلام داشت چنانکه پس از احتجاج با امام گفته بود: «اگر در سقیفه حاضر بودی و سخنان تو را می‌شنیدیم دو تن هم با تو در این‌باره مخالفت نمی‌کردند» (ابن قتیبه، ۱/ ۲۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۲/٦). بشیر بن سعد از سپاهیان خالد بن ولید در فتوحات عراق بود که در سال ۲۲ در ناحیه بانقیا در عین‌التمر (غرب کوفه و نزدیک انبار) بر اثر جراحتی درگذشت و در همان ناحیه به خاک سپرده شد (واقدی، ۱٦٥/۲؛ بلاذری، فتوح البلدان، ۳۰٤/۲، ابن عبدالبر، ۱۷۳/۱). وی از معدود کسانی بود که در مدینه، خواندن و نوشتن می‌دانست (ابن سعد، ۳ /٤۰۲؛ بلاذری، فتوح البلدان، ۵۸۳/۳) و از قول او احادیثی بیان شده‌است (اصفهانی، ۳۹۸/۱؛ ابن عبدالبر، ۱۷۳/۱).

نعمان فرزند بشیر، خطیب، شاعر و همچون پدرش از بزرگان صحابه و از راویان احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز از اسناد مورد اعتماد مورخان بود (زرکلی دمشقی، ۸/ ۳٦). وی دارای طبقه و منزلت روایی بود و از همین رو همچون صحابی دیگر صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، مورد اعتماد رجالیون اهل‌سنّت است. در میان رجالیون شیعی، شیخ طوسی او را در شمار اصحاب و راویان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آورده‌است. طبق منابع حدیثی شیعی و سنی وی حدود ۱٤۲ حدیث از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده‌است (عزیزی و سایرین، ۱٤۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

نعمان بن بشیر در ابتدای تشکیل خلافت اموی به این جناح پیوست و حامی منـافع آنان شد. وی که از طرفداران عثمان و منحرفان از امام علی علیه‌السلام بود (ابـن ابـی الحدیـد، ٧٧/٤)، پس از قتل خلیفه سوم پیراهن خونین او را برای معاویه در شام برد که تبدیل به یکی از ابزارهای نمادین تبلیغاتی معاویه برای ایجاد فتنه بر ضد علـی علیه‌السلام شـد (طبـری، ٥٦٢/٤). به نوشته ابن خلدون «همه با علی علیه‌السلام بیعت کردند جز عده‌ای که تأخیر کردند و ازجمله آنان نعمان بود که به شام رفت» (ابن خلدون، ٢١٤/١). نعمان در جنگ صفین در مقابل امام علی علیه‌السلام جنگید (منقری، ٤٤٨/١). او فرمانـده یکـی از غـارات معاویـه در حمله به عراق بود. با تشکیل خلافت اموی نعمان از کارگزاران و مدافعین آنـان شـد و پس از عبدالرحمن بن‌حکم، از طرف معاویه حاکم کوفه شد (طبری، ٣١٥/٥). نعمان در زمان روی کار آمدن یزید همچنان والی کوفه و از فرماندهان وی باقی ماند (طبـری، ٥/ ٣٣٨). موضع‌گیری نعمان پس از قتل خلیفه سوم و پیوستن وی به معاویه باعث شد که منابع برای او گرایش عثمانی قائل شوند (ابن سعد، ١٢٢/٦؛ ثقفی کوفی، ٤٤٩/٢). نعمان تا زمان خلافت مروان بن حکم زنده بود و در آن ایام در کسـوت امـارت بـر حمـص، مردم را به بیعت با عبدالله بن‌زبیر فراخواند، امّا اهل‌حمص با او مخالفت کردند. پس از آن او مجبور به فرار شد و در نهایت در سن ٦٤ سالگی به دست مردم حمص کشـته و سرش از تن جدا شد (ابن سعد، ١٢٢/٦؛ ابن عبد البر، ٤ /١٥٠٠؛ ابن عساکر، ٥٧/ ٢٦٠؛ ابن کثیر، ٢٦٣/٨).

نعمان از قتل خلیفه سوم تا ورود مسلم به کوفه

رفتار سیاسی دوگانه و مبهم از سوی برخی بزرگان صـحابه بعـد از رحلـت رسـول ناشی از جو سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی بود. دعـوای جانشـینی پیـامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله اولـین شکاف و اولین رقابت میان مسلمانان بر سر قدرت بـود. در ایـن میـان قـدرت انصـار تحت‌الشعاع یک سری اهدف سیاسی و رقابت‌های قبیله‌ای قرارگرفت. حضور پررنـگ انصار در جنگ‌های صدر اسلام سبب بروز کینه‌های قریش نسبت به آنان شد. از سوی دیگر تحرکات و کارشـکنی‌هـای برخـی مهـاجرین قبـل از رحلـت پیـامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله باعـث سردرگمی در محاسبات قدرت نزد بزرگان انصار شد و نهایتاً تعجیـل و عـدم ارزیـابی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

درست حوادث منجر به تشکیل اجتماع سقیفه توسط این گروه شد. مبانی مشروعیت مهاجرین در کنار سلطه نظریه قریشی بودن خلیفه و اختلافات میان اوس و خزرج که برخاسته از ساختار نظام قبیله بود، زمینه‌های به خلافت رسیدن ابوبکر را در سقیفه فراهم ساخت. در واقع پیشگویی پیامبرﷺ درباره بی‌مهری نسبت به انصار پس از خود (بلاذری، انساب الاشراف، ٤ /٥٣) به وقوع پیوست و با کنار گذاشته شدن از جریان تعیین جانشینی در سقیفه اسباب دوری آنان از عرصه حکومت و قدرت رقم زده شد.

توده انصار در کنار امام علی‌علیه‌السلام قرارگرفته به‌جز چند نفر تمامی آنها با حضرت بیعت کردند. حمایت انصار از امام علی‌علیه‌السلام در کنار خصومت‌های ریشه‌دار عرب عدنانی و شمالی به کاهش قدرت سیاسی انصار انجامید. پس از ماجرای سقیفه در دوره خلفای نخستین، منصب مهمی به انصار واگذار نشد. خلیفه دوم گامی به سوی احیای رقابت‌های قبیله‌ای برداشت و باعنوان کردن سابقه در اسلام و برتری دادن مهاجرین بر انصار در تقسیم بیت المال آن را عملی ساخت. قتل مشکوک سعد بن عباده از رهبران انصار، گامی دیگر در جهت محدودیت و کاهش قدرت انصار در زمان خلیفه دوم بود. نمود دیگر سیاست ضد انصاری خلیفه دوم عدم حضور فردی از انصار در شورای تعیین جانشینی بود. بخشش‌های مالی و دادن مناصب به بنی امیه در زمان خلیفه سوم روند افزایش قدرت این خاندان را تسریع کرد. در مقابل کینه این گروه نسبت انصار به دلیل جنگ‌های صدر اسلام، نفوذ انصار و قدرت آنان را به صورت چشمگیری کاهش داد.

با آغاز قدرت‌یابی معاویه و روی کار آمدن امویان و به دنبال آن احیاء تعصبات قبیله‌ای و جاهلی، انصار بیش از هر زمانی مورد کینه‌ورزی‌های قریش قرار گرفتند. در این میان معدودی از انصار برای رهایی از این محدودیت‌های سیاسی و کسب منافع، خود را به جناح اموی نزدیک کردند. از معدود چهره‌های سیاسی فعال انصار در زمان خلفای سه گانه و ابتدای کار امویان بشیربن سعد و سپس پسرش نعمان بودند.

منابع در مورد جایگاه و مناصب نعمان بن بشیر در زمان خلفای سه‌گانه اطلاعات چندانی نمی‌دهند. موضع‌گیری وی در ماجرای قتل خلیفه سوم شاهدی بر ارتباط

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

نزدیک وی با عثمان است، به‌طوری‌که همسر عثمان نامه‌ای همراه با پیراهن خونین وی به نعمان می‌دهد تا نزد معاویه در شام ببرد. پیراهن خونین عثمان زمینه‌ساز رویدادهای بعدی برای ایجاد فتنه و شورش علیه امام علی علیه‌السلام شد. معاویه مردم را جمع کرده و بر منبر رفت، پیراهن را به آن‌ها نشان داد و احساسات آن‌ها را برای خونخواهی عثمان تحریک کرد (طبری، ٥٦٢/٤؛ ابن عساکر، ٥٠/ ،١٧٧؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ٣/ ١٩٢و٢٧٧؛ ذهبی، ٥٤١/٣).

نعمان بن بشیر تنها انصاری و صحابه‌ای بود که در جنگ صفین در جبهه معاویه و در مقابل امام علی علیه‌السلام قرار داشت. معاویه با وجود یک صحابه در سپاهش توانست به‌عنوان یک گزینه تبلیغاتی برای مشروعیت خود بسیار سود ببرد. در همین جنگ انصار در کنار امام علی علیه‌السلام قرار داشتند و نعمان برای گفتگو با فرمانده انصاری سپاه علی علیه‌السلام قیس بن سعد عباده فرستاده می‌شود. وی انصار را به قتل عثمان، عدم کمک به وی، شرکت در جمل و صفین در جهت مقابل معاویه متهم و اینکه بعد از قتل خلیفه سوم انصار نباید با امام علی علیه‌السلام به‌عنوان خلیفه بیعت می‌کردند. قیس فرمانده سپاه علی علیه‌السلام او را به‌عنوان شخصی فریفته شده مورد خطاب قرار داده و در پاسخ به او گفت: «انصار هرگز در کنار معاویه نخواهند بود. جنگ در کنار علی علیه‌السلام همچون جنگ در کنار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علیه کفار است» (منقری، ١/ ٤٤٨-٤٤٩).

در پیش گرفتن عملکرد دوسویه از جلوه‌های بارز رفتاری نعمان بوده‌است که در زندگی سیاسی وی به چشم می‌خورد. پیشینه تزلزل وی در مواجهه با امام علی علیه‌السلام به‌عنوان سفیر معاویه به‌خوبی بارز است. وی در مقابل امام علی علیه‌السلام موضع‌گیری نامشخصی داشت، برخوردی دوگانه که حاکی از ماهیت رفتاری نامشخص و تزلزل درونی وی بود. امام علی علیه‌السلام به او فرمود: آیا از عشیره خود بهتر راه هدایت را پیموده‌ای؟ انصار همه به من ملحق شده‌اند تو چرا با معاویه‌ای؟ جز چند نفر که یکی تو باشی باقی در خدمت من هستند، نعمان ناگهان مأموریت خود را فراموش کرد و تغییر ماهیت داد و عنوان کرد «آمده‌ام در خدمت شما باشم و امیدوار بودم وسیله‌ای فراهم شود تا به خدمت شما برسم، دنبال صلح و سازش بین شما بودم و اگر نظر شما غیر از این است در خدمت شما هستم و هر جا بروید می‌آیم». او چند ماه در کوفه بود

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

و بعد به عین التمر می‌آید (ثقفی کوفی، ٤٤٧/٢). در آنجا توسط مالک بن کعب دستگیر شد، اما با وساطت خویشاوندانش آزاد شد (همان؛ ابن ابی الحدید، ٣٠٢/٢-٣٠١). سردرگمی‌های فکری و درونی نعمان نهایتاً با حضورش در غارات معاویه به ناحیه «عین التمر» پایان می‌یابد (طبری، ١٣٣/٥؛ ثقفی کوفی، ٤٥١/٢؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ٢٧٥/٣؛ ابن ابی الحدید، ٢/ ٣٠٤- ٣٠٣).

خطبه نعمان در کوفه

آشفتگی و سردرگمی کوفه با مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید بیش از بیش خودنمایی می‌کرد. حضور مسلم بن عقیل و بیعت پرشور هواداران امام حسین علیه‌السلام با وی وضع را برای حزب اموی (وابستگان سببی، نسبی و نیز اشراف و بزرگانی که منافع خود را در حمایت جریان اموی دنبال می‌کردند) پیچیده‌تر کرد و آنان خواستار شدت عمل حاکم کوفه برای پایان دادن به این غائله بودند (طبری، ٣٥٥/٥-٣٥٦؛ زکی صفوت، ٢ /٣١-٣٠؛ ابن اعثم، ٥ /٣٥؛ خوارزمی، ٢٨٦/١). این در حالی بود که نعمان بن بشیر به‌عنوان والی اموی شهر تنها به ایراد خطابه‌ای بدون هیچ‌گونه اقدام عملی جدی اکتفا کرد. محتوای خطبه نعمان در بیشتر منابع تاریخی با عبارات مختلف، یکسان آمده‌است. در این خطبه وی پس از حمد و ثنای خدا چنین می‌گوید:

«ای بندگان خدا از خدا بترسید و به‌سوی فتنه و تفرقه شتابان نباشید که سبب هلاک مردان و ریختن خون‌ها و غصب اموال می‌شود. من باکسی که به جنگم نیاید جنگ نمی‌کنم و به کسی که به من حمله نیارد حمله نمی‌برم به شما ناسزا نمی‌گویم، تحریکتان نمی‌کنم، به سعایت و گمان و تهمت اعتبار نمی‌نهم ولی اگر باطنتان را بنمایید و بیعت خویش را بشکنید و با پیشوایتان مخالفت کنید، به خدایی که جز او خدایی نیست تا وقتی شمشیر به دستم باشد به شما ضربت می‌زنم اگرچه از میان شما یاوری نداشته باشم. امیدوارم میان شما کسانی که به‌حق پایبندند، از آن‌ها که باطل به هلاکتشان می‌کشاند بیشتر باشند» (طبری، ٣٥٥/٥-٣٥٦). خطبه نعمان نمود بارزتری از نرمش و باز هم بی‌تفاوتی او نسبت به شرایط موجود است. این موضع‌گیری هواداران اموی را به خشم آورد و از او برخورد قاطعانه‌تری خواستند. از جمله عبدالله حضرمی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

که بعد از ایراد خطبه با لحنی معترض از او میخواهد تا بـا مخالفـان بنـی‌امیـه برخـورد قاطع‌تری انجام دهد (طبری، ۱۳۳/۵؛ ثقفی کوفی، ٤٥١/٢؛ ابن اثیر، الکامل فـی التـاریخ، ۲۷۵/۳؛ ابن ابی الحدید، ۲/ ۳۰٤– ۳۰۳). او کـه از تسـاهل و عـدم سـختگیری نعمـان نسبت به هواداران مسلم برآشفته، مخالفت خویش را چنین بیان مـی‌کنـد: «ای امیـر بـا این‌گونه سخنی که تو گفتی مخالفان دست از مخالفت خود برنمـی‌دارنـد چـاره آن‌هـا منحصر به جنگ است زیرا این‌گونه بیانات تهدیدآمیز رویه مردم ناتوان اسـت». نعمـان پاسخ داد «هرگاه من در اطاعت از فرمان خدا در ردیـف مستضـعفین و ناتوانـان باشـم دوست‌تر می‌دارم که از خدا نافرمانی کنم» (طبری، ۳٥٦/٥).

خطبه مذکور که بیشتر جنبه تهدید لفظی برای ترسـاندن کوفیـان بـود، مـورد انتقـاد هوادران اموی قرار گرفت. این خطبه از جهت بیان سیاسـت‌هـای کلـی و مؤلفـه‌هـای اساسی خلافت و نیزآشکار ساختن موضع تسامح‌گرایانه و نرمش والی کوفه نسـبت بـه مخالفان بنی‌امیه و بحران کوفه حائز اهمیت است. واکنش نعمان نسبت به حرکت مسلم بن عقیل، عدم برخورد عملی و بی‌اعتنـایی بـود (ابـن کثیـر، ۱۵/۸). از ایـن‌رو بـه‌نظـر می‌رسد خطبه او تحت‌فشار هواداران حکومت بنی‌امیه ایراد شده‌باشد (عابدین، ۵۷).

اشراف و طرفداران بنی‌امیه برای یزید نامه‌نگاری کردند و وضع کوفه و موضع‌گیری ضعیف نعمان و ناتوانی او در قلع‌وقمع هـواداران مسـلم را شـرح دادنـد و عـزل او و گماشتن شخص تواناتری برای اداره امور را خواستار شدند. با زیادشدن نامه‌هـا، یزیـد نعمان را عزل و ابن زیاد را به حکومت بصره و کوفه گماشت و او را بـرای مقابلـه بـا مسلم مأمور کرد (طبری، ۳۵۷/۵–۳۵۸).

تعلل و تسامح نعمان در برخورد با وقایع کوفه خوشایند و مطلوب هـواداران امـوی نبود و به زعم آنان این نشانه ضعف یا ناتواتی ظاهری و تعمدی نعمان بود که در نتیجه آن شرایط مساعدی برای افزایش آمار بیعت‌کنندگان با امام حسین علیه‌السلام و تقویت حرکت مسلم بن عقیل در کوفه مهیا شد. وقایع بصره و حضور نماینده امام در آنجا شاهدی بر این مدعاست که اگر از همان ابتدا حاکمیت کوفه برعهده عبیداللّه بن زیاد بود، ارسـال نامه‌ها و بیعت‌ها به این گستردگی نبود. همزمان بـا اعـزام مسـلم بـن عقیـل بـه کوفـه فرستاده دیگر امام نزد بزرگان بصره حضـور یافـت و بـه دلیـل حاکمیـت اختنـاق‌آمیـز

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

عبیدالله در این شهر کاری از پیش نبرد (طبری، ۵/ ۳۵۷؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۲/ ۳۳۵؛ ابن کثیر، ۸/ ۱۵۷؛ ابن اعثم، ۵/ ۳۷). حضور و تحرکات مسلم بن عقیل تقریباً مهار اوضاع را از دست والی خارج کرد به طوری‌که عبیدالله برای در امان ماندن با چهره‌ای پوشیده وارد شهر شد و زمانی که به دارالاماره رسید نعمان به گمان حضور امام حسین علیه‌السلام گفت: «تو را به خدا، از این جا دور شو، من امانتی را که در اختیار دارم، به تو تسلیم نمی‌کنم و نیازی هم به کشتن تو ندارم» (ابن اعثم، ۳۹/۵). پارادوکس به کار رفته در این عبارات مهر تأییدی بر منش سیاسی مبهم نعمان بود که در نهایت موجب عزل او از کوفه شد.

در ادامه به علل و ریشه‌های رفتارهای محتاطانه نعمان بن بشیر در برخورد با حرکت مسلم بن عقیل و تعلل و عدم سختگیری نعمان نسبت به جریان ضد اموی در کوفه پرداخته خواهد شد.

۱- وابستگی قبیلگی

تحلیل رفتاری و شخصیتی نعمان بدون در نظر داشتن تعصبات قبیله‌ای قابل‌بررسی نیست. وابستگی نسبی و قبیله‌ای عامل مؤثری در تصمیم‌گیری‌های جامعه آن زمان محسوب می‌شد، به‌طوری‌که نعمان انصاری نمی‌توانست چشم بر جایگاه قبیله‌ای و انصاری خود ببندد و تنها به دنبال منافع و امیال شخصی باشد. کینه‌های شخصی و تیرگی روابط میان نعمان بن بشیر و یزید ازجمله عوامل تعلل وی در مواجهه با وقایع کوفه است (شریف القرشی، ۲/ ۳۵۰). با وجود آنکه نعمان را نمی‌توان طرفدار سرسخت انصار دانست، اما تحقیر انصار را نیز برنمی‌تافت. یزید از انصار به علت یاری و همراهی‌شان در جنگ‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و کشتار بزرگان قریش کینه عمیقی داشت. وی از کعب بن جعیل خواست انصار را هجو کند، اما او نپذیرفت و گفت: «تو مرا پس از ایمان، به شرک فرا می‌خوانی. من قومی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را یاری کرده‌اند، بد نمی‌گویم و برای این کار اخطل شاعر مسیحی را به او معرفی کرد» (ابن عبدربه، ٦ /۱۷۰).

با این‌وجود اخطل اشعاری را در هجو آنان سرود و در این اشعار انصار را هم‌ردیف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

یهودیان دانست و به عیب‌جویی از آنان مردمی اهل زراعت و کشاورزی و نه اهل جود و کرامت معرفی کرد. او انصار را به ترس در هنگام جنگ متهم کرد و شرف و مجد را به قریشیان و پستی را به انصار نسبت داد. نعمان بن بشیر از این هجویات برآشفت و خشمگین نزد معاویه رفت و ضمن شکایت، درخواست کرد تا اخطل را مجازات کند. چون خبر به اخطل رسید، به‌سرعت به یزید پناه برد و گفت: این همان خبری است که از آن می‌ترسیدم. یزید از اخطل نزد پدرش شفاعت کرد و به او پناه داد و معاویه هم با ادعا که «راهی بر پناه ابی خالد ـ یعنی یزید ـ نیست» از او درگذشت. این موضوع بر نعمان گران آمد و پیوسته با یزید دشمنی می‌ورزید (ابن عبدربه، ٦/ ١٧١-١٧٠؛ شاوی، ٢/ ١١٧).

هدف نعمان از عدم درگیری مستقیم با امام حسین علیه‌السلام به سبب آگاهی از نتایج نامطلوب این رویارویی بود. نعمان نمی‌خواست با این درگیری چهره اجتماعی و قبیله‌ای خود را مخدوش کند. بازتاب اجتماعی این تقابل می‌توانست تبعات بسیار نامطلوبی در قبیله و خاندان وی داشته باشد.

٢- احترام به اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

نعمان بن بشیر باوجود تمایل‌های عثمانی و ضد علوی (بلاذری، انساب الاشراف، ٣ /١٥٨) هیچ‌گاه آشکارا به اهل‌بیت علیهم‌السلام بی‌احترامی و جسارت نکرد و حتی رفتارها و گفتارهای پراکنده در حمایت از خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان کرد. چنانکه او در مقام سفیر معاویه در مواجهه با امام علی علیه‌السلام خود را ملزم به رعایت ادب می‌دید. نعمان بن بشیر در چندجا نیز در رویارویی با امام حسین علیه‌السلام با احترام با ایشان مواجه شده بود:

ـ امام حسن علیه‌السلام در مناظره‌ای با معاویه به این نکته اشاره می‌کند که با به خلافت رسیدن عثمان، ابوسفیان دست حسین علیه‌السلام را گرفته و همراه خود به بقیع می‌برد و می‌گوید: «ای اهل قبر! شما با ما بر سر حکومت و خلافت جنگیدید، ولی امروز بدنتان در زیرخاک است و حکومت در دست ماست» و حسین علیه‌السلام در پاسخ او فرمود: «ای ابوسفیان! عمری از تو گذشته است، چهره‌ات زشت باد. آنگاه دست خود را کشید و به مدینه آمد و اگر نعمان بن بشیر نبود، چه‌بسا حسین علیه‌السلام به قتل می‌رسید» (طبرسی، ١/

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

۴۰۹، مجلسی، ٤٤ /۷۸).

ـ از نواده امام حسین علیه‌السلام، محمد بن علی بن حسین علیه‌السلام نقل‌شده‌است: «همـراه جـدّم حسین بن علی علیه‌السلام پیاده به‌سوی زمین آن حضرت خارج شدیم. در میان راه نعمـان بـن بشیر را سوار بر قاطری دیدم. وی پیاده شد و به حضرت حسین علیه‌السلام گفت: سوار شو یا اباعبدالله! آن حضرت نپذیرفت و او همچنان وی را سوگند می‌داد تا اینکه آن حضـرت فرمود: همانا تو مرا به چیزی که دوست ندارم مکلف ساختی ولی من برای تو حـدیثی را می‌گویم که مادرم فاطمه علیهاالسلام برای من گفتـه اسـت» (رازی دولابـی،۱۳۷). نعمـان در گفتاری دیگر اذعان می‌کند: «دخترزاده رسول خدا علیه‌السلام نزد مـا از فرزنـد بجـدل (یزیـد) محبوب‌تر است» (ابن قتیبه دینوری، ۸/۲، بیهقی، ۵۰).

ـ نعمان بن بشیر با اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مـاجرای بازگشـت اسـراء کـربلا از شـام نیـز بـا احتـرام برخـورد کـرده اسـت (خـوارزمی، ۸۲/۲؛ طبـری، ٤٦٤/٥؛ ابومخنـف، ۲۱۵/۱-۲۱٤).

در مجموع نعمان در برخورد با خاندان رسالت همواره با احترام و تواضـع برخـورد می‌کرد. بی‌شک این نوع رفتار و عملکرد در قبال اهل‌بیت علیهم‌السلام دلالت بر آگاهی نعمان از جایگاه و مقام والای این خاندان دارد. در اینجا سؤالی به ذهن خطور می‌کنـد کـه چـرا نعمان انصاری با وجود آگاهی از مقام امام علی علیه‌السلام متمایل به حـزب امـوی مـی‌شـود؟ آن‌هم در شرایطی که جو مدینه علیه خلیفه سوم بود. نعمان نه‌تنها با امام علی علیه‌السلام بیعت نکرد بلکه با پذیرش خطر، پیراهن خلیفه را به شـام بـرد و محـرک جریـان‌هـای ضـد حکومت علوی شد. به دلیل کمبود منابع، به‌ویژه در مورد نزدیکـی او بـا خلیفـه سـوم، نمی‌توان عملکرد او را به‌طور صریح و دقیق بررسی کرد. با این‌حـال نعمـان بـه‌عنـوان راوی حدیث با آگاهی از جایگاه و ویژگـی‌هـای امـام علـی علیه‌السلام بـه عـدم همسـوی آن روایات با مقاصد و منافع خود وقوف کامل داشت، به‌گونه‌ای که علی‌رغم عدم تمایل به تداوم خلافت یزید، نمی‌خواست تا خلافت به خاندان علی علیه‌السلام برگردد (شریف القرشی، ۲ /۳٤۹). پس می‌توان چنین برداشت کرد که اصطکاک منافع او با حکومت عدل علوی باعث گرایش به جناح اموی شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

۳- پیوندهای خویشاوندی

ساختار قبیله‌ای جزیره‌العرب بر مبنای پیوندهای خویشاوندی شکل گرفته بود. در این ساختار ارزش‌های قبیله‌ای حاکم بود و رفتارها بر اساس آن سنجیده می‌شد. شناخت پیوندهای خویشاوندی از آن رو اهمیت دارد که نشان دهنده وابستگی‌ها و روابط قبیله‌ای است. از آنجا که بسیاری از رفتارهای فردی در بستر ارزش‌های حاکم بر قبیله، مفهوم می‌یابد لذا شناخت این پیوندها جهت تحلیل و درک رفتارهای نعمان بن بشیر ضروری به نظر می‌رسد.

پیوند خویشاوندی میان نعمان و مختار در نحوه رفتار وی نسبت به همراهان امام حسین علیه‌السلام مؤثر بود. مختار داماد نعمان و والی وقت کوفه بود، وی به‌عنوان یک شیعه انقلابی و از مخالفان بنی‌امیه، در حوادث سیاسی و اجتماعی زمان خود نقش مهمی داشت. پس از ورود مخفیانه در ۵ شوال سال ٦٠ هجری به کوفه، مسلم بن عقیل در منزل مختار ثقفی اقامت گزید (بلاذری، انساب الاشراف، ۲/ ۷۷؛ ابن اعثم، ۵ /۳۳؛ شیخ مفید، ٤١/٢) و تا قبل از ورود غیرمنتظره عبیدالله به کوفه در منزل او بود (طبری، ٣٦٢/٥). مختار از بزرگان شیعه و دارای موقعیت اجتماعی ممتازی بود، مسلم با علم به جایگاه مختار و نیز وفاداری او به امام حسین علیه‌السلام خانه وی را برای سکونت برگزید. مختار فرستاده امام حسین علیه‌السلام را گرامی داشت و از اولین اعیان و اشرافی بود که رسماً با او بیعت کرد (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ٤/ ٣٦).

شیعیان به دیدار مسلم که در خانه مختار ثقفی بود می‌شتافتند و مسلم با حفظ تدابیر امنیتی نامه امام حسین علیه‌السلام را برای آنان می‌خواند و از آنان بیعت می‌گرفت و مردم را به روشنگری دعوت و مفاسد بنی‌امیه و فضایل اهل‌بیت علیهم‌السلام را بازگو می‌کرد. مردم در جلسات مسلم حضوری پرشور می‌یافتند و بزرگان کوفه نیز مردم را به بیعت و اعلام وفاداری فرامی‌خواندند (طبری، ۳۵۵/۵؛ ابن اعثم، ٣٤/٥؛ ابن‌قتیبه دینوری، ٢٣١/١). مختار در این مراحل در کنار مسلم بود و روند بیعت مردم را با جدیت دنبال می‌کرد. بی‌تردید تا زمان حضور مسلم در خانه مختار، نعمان بن بشیر متعرض او نمی‌شد (شریف القرشی، ٣٤٩/٢). از سوی دیگر مختار به‌عنوان داماد نعمان، مطمئناً از شخصیت وی آگاه بود و در دامن زدن به تردید و تعلل وی نقش مهمی داشت و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

سخنان و موضع او، شرایط را برای نعمان پیچیده‌تر کرده‌بود. مختار با اتخاذ تدابیر دوراندیشانه نعمان را از اقدام جدی علیه مسلم بن عقیل بازداشت. وی با شناخت روحیه منفعت‌طلبانه و قدرت‌طلبی پدر زنش، وی را نسبت به آینده حکومت یزید مردد ساخت. شاید تصویرسازی مختار از آینده نامشخص خلافت یزید بن معاویه و احتمال پیروزی حرکت امام حسین علیه‌السلام برای نعمان بن بشیر، دلیل دیگری برای عدم اتخاذ سیاست سرسختانه و خشن نسبت به مخالفان خلیفه شد. به‌طوری‌که نعمان در پی آگاهی از عدم صلاحیت یزید برای خلافت، با اندیشه دستیابی به مقامی در حکومت انقلابی پیش رو، موضعی سهل‌انگارانه نسبت به شرایط جدید اتخاذ کرد (عابدین، ۵۳، ۵۹).

۴- کسب قدرت سیاسی

کسب موقعیت سیاسی و تلاش در جهت نزدیکی به پایگاه‌های قدرت از مهم‌ترین اهداف نعمان بن بشیر بود، به همین سبب درگیر و دار گرداب حوادث با سنجش موقعیت طرف‌های درگیر با جناحی که احتمال توفیق بیشتری داشت همساز می‌شد. سردرگمی و ابهام قدرت در کوفه بعد از مرگ معاویه و مخالفت مردم این شهر با خلافت یزید ارزیابی موقعیت برتر را برای نعمان دشوار ساخت. وی در این برهه زمانی با عدم اطمینان از جایگاه و منصب خویش با توجه به تیرگی روابطش با خلیفه جدید، نسبت به حضور مسلم بن عقیل در کوفه واکنش شدیدی نشان نداد و بعد از ورود عبیدالله بن زیاد به کوفه شهر را ترک کرد (طبری، ۵/ ۳۵۹؛ شیخ مفید، ۲ /۴۳).

نعمان به‌عنوان یک انصاری با تمایل به معاویه جایگاه قبیله و نژادی خود را دچار خدشه و آسیب کرد به همین سبب در مأموریت آرام‌سازی اعتراض‌های مردم مدینه در آستانه واقعه حره، سخنانش مورد قبول قرار نگرفت (طبری، ۴۸۱/۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۵ /۳۲۱؛ ابن کثیر، ۸ /۲۳۶). هرچند کسب مزایا و منافع اغواکننده و چشمگیر در دستگاه سیاسی معاویه این بدنامی را برای نعمان قابل توجیه می‌کرد و حتی موجب احیاء و بازسازی موقعیت عشیره‌ای وی می‌شد.

رفتار دوگانه و مبهم نعمان در کنار معاویه آشکار می‌شود. سیاست معاویه در مواجهه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

با امام حسین علیه‌السلام را می‌توان از لابه‌لای وصیت‌نامه وی یافت. معاویه خطاب به پسرش می‌گوید: «حسین بن علی علیه‌السلام مردی است کم‌خطر و امیدوارم خدا او را به‌وسیله‌ی کسانی که پدرش را کشتند و برادرش را بی‌کس گذاشتند از پیش بردارد، نسبت بزرگ دارد و حق بزرگ و قرابت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، چنان می‌بینم که مردم او را به قیام وامی‌دارند، اگر به او دست‌یافتی گذشت کن که اگر من باشم گذشت می‌کنم» (طبری، ۳۲۳/۵).

سیاست و تلاش معاویه در راستای حفظ اسلام اموی و برای جلوگیری از جدایی امویان از بدنه اسلام بود. وی در جایی به امام حسین علیه‌السلام گفته بود: «ای برادرزاده گمان می‌کردم در سر اندیشه بد می‌پروری... من دوست دارم که این کار در روزگار من باشد که قدر تو را بشناسم و از آن درگذرم ولی بیم آن دارم که گرفتار کسی شوی که به‌اندازه فواق شتر هم تو را امان ندهد» (ابن ابی الحدید، ٤٠٩/١٨). نعمان با آگاهی از دیدگاه و موضع معاویه، بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام به یزید خاطرنشان می‌کند که معاویه به کشتن او راضی نبود (خوارزمی، ٦٧/٢).

البته معاویه موضعی سیاستمدارانه داشته و برای جلوگیری از قیام امام حسین علیه‌السلام مطمئناً از شیوه‌های پنهانی استفاده می‌کرد. نعمان با پیروی و آشنایی باسیاست‌های رفتاری معاویه، از اعمال خشونت و برخورد جدی با امام حسین علیه‌السلام پرهیزکرده و با ورود ابن زیاد از کوفه خارج می‌شود. پس‌ازآن نیز شاهدی بر موضع‌گیری منفی وی در قبال اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در منابع به چشم نمی‌خورد.

سیاست فریبکارانه معاویه رویارویی آشکار با امام حسین علیه‌السلام را تأکید نمی‌کرد. معاویه می‌دانست که ریختن خون امام حسین علیه‌السلام با آن جایگاه بلندی که در دل امت دارد، موجب بدنامی امویان شده و در میان آنان شکاف ایجاد می‌کند. با توجه به این مسائل، وی با پیروی از سیاست معاویه، برخورد جدی با امام حسین علیه‌السلام را به نفع امویان نمی‌بیند و سیاست ملایمی را در پیش می‌گیرد. ازاین‌رو نعمان با بهره‌برداری از شیوه‌های پنهانی و نیرنگ آمیز می‌کوشد تا از خطر مسلم بن عقیل و امام حسین علیه‌السلام بکاهد. این در حالی است که سیاست‌های خشونت‌آمیز یزید و موقعیت متزلزل وی برای نعمان، منفعت چندانی نداشت (طبری، ٥/ ٣٤٨؛ شیخ مفید، ٢ /٤٢؛ دینوری،٢/ ٨؛ ابن کثیر، ١٥٦/٨؛ ابن اثیر، ٢٣/٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

با نزدیک شدن فروپاشی امویان، نعمان با عبیدالله بن زبیر مدعی قدرتمند خلافت و ضحاک بن قیس فهری از دشمنان بنی‌امیه، برای سرنگون کردن امویان هم‌داستان شد و چون در آن هنگام والی شهر حمص بود، اهل آنجا را برای بیعت با ابن زبیر یا خود فراخواند، اقدامی که خود بیانگر چهره‌ای دیگر از نعمان پیر بود (ابن سعد، ۵ /۲۹؛ طبری، ۱۲۲/٦؛ ابن کثیر ۲٤٥/۸؛ ابن عبدالبر، ٤/ ۱٤۹). درنهایت با قتل ضحاک و شکست زبیریان وی از حمص متواری شد و در نهایت توسط خالد بن عدی الکلابی در روستای بیرین یکی از روستاهای حمص به قتل رسید. این حادثه پس از واقعه مرج راهط اواخر سال ٦٤ هجری قمری اتفاق افتاد (ابن عبدالبر، ۱٥۰۰/٤؛ مسعودی، ۷۷/۳).

گرایش نعمان بن بشیر به ابن زبیر در راستای اهداف منفعت طلبانه وی به‌خوبی قابل‌تحلیل است. ابهام قدرت بعد از مرگ یزید بن معاویه که ناشی از انتقال قدرت از شاخه سفیانی به مروانی بود، نعمان را بر آن داشت تا به دنبال پایگاه قدرت جدید برود. از سوی دیگر سن زیاد وی و نداشتن پایگاه و حمایت مردمی و قبیلگی اجازه قدرت‌نمایی در لباس فرد مدعی خلافت را به او نمی‌داد، به همین دلیل حضور در جریان ابن زبیر نه‌تنها منافع وی را تأمین می‌کرد، بلکه حمایت مردم حجاز و مدینه از قیام ابن زبیر فرصتی به نعمان بن بشیر می‌داد تا از طرفی با بازسازی چهره خود نزد انصار وجاهت قبیلگی خود را احیاء کند و مرهمی بر زخم‌های ناشی از اهانت و کینه‌های بنی‌امیه به انصار باشد.

این موضع نعمان بیانگر ضعف ظاهری و تحلیل فکری او از حوادث پیش رویش بود. درمجموع نگاه منفعت‌طلبانه و مصلحت‌جویانه نعمان بن بشیر عامل مهمی در عدم برخورد جدی او با حرکت مسلم بن عقیل در کوفه بود. این موضع گرچه خوشایند هواداران حکومت اموی نبود ولی افزایش آمار بیعت کنندگان با امام حسین علیه‌السلام را در پی داشت و چه بسا اگر نعمان عزل نمی‌شد کوفه بار دیگر شاهد شکل‌گیری حکومت اهل‌بیت علیهم‌السلام بود.

درباره علل رفتارهای دوگانه نعمان در آن شرایط بحرانی می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد:

– عدم مهار وضع کوفه: نعمان در جریان ورود مسلم و هواداری کوفیان از او،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

کمترین موضعی در برابر بیعت مردم با امام و خلع یزید نگرفت، به‌طوری‌که جمعی از سران شیعه در نامه به امام حسین علیه‌السلام تأکید داشتند، به نماز جمعه و نماز عید نعمان بن بشیر حاضر نمی‌شوند و مالیات به وی نمی‌دهند. این عبارت در ضمن بیان فضای ضد اموی کوفه حاکی از نوعی اطمینان به عدم برخورد جدی و شدید از سوی حاکمیت اموی کوفه دارد، به‌طوری که به امام حسین علیه‌السلام نوشتند «اگر خبر یابیم که سوی ما روان شده‌ای بیرونش می‌کنیم و او را به شام می‌فرستیم» (طبری، ۳۵۲/۵؛ خوارزمی، ۲۸۲/۱). خطبه نعمان نیز حاکی از عدم برخورد جدی و عملی وی با حرکت مسلم بن عقیل بود به‌طوری‌که نه‌تنها باعث کاهش وخامت اوضاع نشد، بلکه اسباب عزل وی را فراهم آورد (بلاذری، انساب الاشراف، ۷۸/۲). عدم شدت عمل نعمان در مقایسه با عملکرد عبیدالله بن زیاد به‌خوبی نمایان است. همزمان بصره شاهد حضور نماینده‌ای دیگر از سوی امام حسین علیه‌السلام است. امام در نامه‌ای همراهی سران قبایل بصره را خواهان بود که به دلیل فضای وحشت‌آمیز و رعب‌آور حاکمیت ابن زیاد، جریان بصره در همان ابتدا با ناکامی مواجه شد (طبری، ۳۵۸/۵؛ شیخ مفید، ۴۳/۲؛ ابن اعثم، ۳۸/۵).

- جهل نسبت به اصل مسئله دعوت، ندانستن نتایج و پیامدهای این کار، عدم درک سطح فعالیت انقلابیون و حجم نامه‌ها می‌توانست از دیگر دلایل تعلل نعمان بود (عابدین، ٥٦).

ـ نعمان با آگاهی از روحیات تذبذب گونه کوفیان خطر آن‌ها را جدی نگرفت و گمان می‌کرد امام حسین علیه‌السلام دعوت آن‌ها را اجابت نخواهد کرد (زرگری‌نژاد، ۱۲۲).

ـ وجاهت خاص امام حسین علیه‌السلام به‌عنوان نوه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نعمان را در برخورد جدی با حرکت امام دچار تردید بسیار کرد. شاید نعمان اعتقاد داشت یزید ارزش این را ندارد که خودش را بیش از این بدنام کند. در این شرایط مبهم بهترین تصمیم رفتار دوگانه و خودداری از رویارویی مستقیم با امام حسین علیه‌السلام بود تا بدنامی مقابله با نوه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را برای اشخاص دیگر بگذارد. از سوی دیگر اتخاذ این رویکرد به وی فرصتی می‌داد تا در صورت قدرت‌یابی حسین بن علی علیه‌السلام در کوفه برای خود جایگاهی کسب کند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

– برخی معتقدند نعمان با در پیش گرفتن سیاست تسامح شرایط را برای عبیدالله بن زیاد و سرکوب کامل‌تر و بهتر مخالفان فراهم آورد که خود باعث تقویت جبهه امویان شد (حیدر، ۸۸).

نتیجه

پیچیدگی اوضاع بعد از رحلت پیامبرﷺ انصار را با مشکلات فراوانی مواجه کرد. با قرار گرفتن حاکمیت سیاسی در دست مهاجران، انصار از سوی آنان مورد بی‌مهری قرار گرفتند. این شرایط اتخاذ موضعی قاطع، در قبال حوادث سیاسی و اجتماعی را برای این گروه دشوار ساخت. باآنکه اکثر انصار حامی بنی‌هاشم بودند ولی در برخی جریان‌های سیاسی رفتارهای دوگانه‌ای از خود بروز دادند. برخی از آنان در پی کسب منافع و بهره‌برداری‌های شخصی به قدرت‌های غالب ازجمله امویان تمایل یافتند. از آن جمله می‌توان به نعمان بن بشیر و پدرش بشیر بن سعد اشاره کرد.

این پژوهش با محوریت رفتارشناسی نعمان بن بشیر نشان می‌دهد عواملی مانند: وابستگی و تعصبات قبیلگی، احترام به اهل‌بیت پیامبرﷺ و پیوندهای خویشاوندی منجر به عدم موضع‌گیری صریح نعمان در قبال مسلم بن عقیل و کوفیان شد. نهایت دوگانگی رفتاری وی بیان خطبه‌ای تسامح آمیز و به‌دوراز قاطعیت بود. شخصیت منفعل نعمان بن بشیر در قبال حضور مسلم بن عقیل به‌خوبی در رفتار و گفتار وی نمایان بود و این همان عاملی است که درنهایت موجب عزل وی از حاکمیت کوفه شد.

معیار تصمیم‌گیری‌های سیاسی نعمان منفعت و مصالح شخصی بود، هرچند ابهام قدرت در آن برهه زمانی وی را به سمت عدم اتخاذ موضع صریح نسبت به حرکت مسلم بن عقیل سوق داد. والی انصاری بیشتر به عدم دخالت در جریان حرکت امام حسین‌ؑ تمایل داشت و چه‌بسا اگر فشار هواداران و حزب اموی کوفه نبود، هرگز خطبه‌ای ایراد نمی‌کرد و ترجیح می‌داد نسبت به شرایط موجود بی‌تفاوت بماند. البته این تعلل رفتاری و عملی در سطوح مختلف جامعه آن زمان به‌ویژه در میان کوفیان نیز وجود داشت و به نوعی بیانگر پیچیدگی شرایط سیاسی موجود بود که تصمیم‌گیری و صراحت در رفتار را برای اغلب مردم جامعه سخت کرده‌بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

منابع

ـ ابن ابی الحدید، *شرح نهج‌البلاغه*، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی النجفی (ره)، ١٤٠٤.

ـ ابن اثیر، عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر للطباعه و النشر، ١٣٨٦ق / ١٩٦٦م.

ـ ابن اعثم الکوفی، ابو محمد احمد، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء، ١٤١١ق/١٩٩١م.

ـ ابن‌خلدون، عبدالرحمان بن محمد، *مقدمة ابن خلدون/ العبر ودیوان المبتدا والخبر فی أیام العرب والعجم والبربر ومن عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ١٣٩٨ق/١٩٧٨م.

ـ ابن خیاط بن خلیفهٔ الشیبانی العصفری البصری، ابو عمرو خلیفه، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق دکتر سهیل زکار، بیروت، دار الفکر للطباعهٔ والنشر والتوزیع، ١٤١٤ ق/١٩٩٣م.

ـ ابن سعد، ابو عبد الله محمد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیهٔ، چاپ اول، ١٤١٠ ق/ ١٩٩٠م.

ـ ابن عبدالبر، یوسف، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ٣٨٠ق/٩٦٠م.

ـ ابن‌قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *الامامة و السیاسه*، تحقیق علی شیری، دار الاضواء، بیروت، ١٤١٠ق.

ـ ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر، *البدایه والنهایه*، بیروت، دار الفکر،١٤٠٧ ق/١٩٨٦م.

ـ ابن عبدربه، احمد بن محمد، *العقد الفرید*، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

ـ ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینه دمشق وذکر فضلها وتسمیة من حلها من الاماثل او اجتاز بنواحیها من وارديها واهلها*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ١٤١٥ ق.

ـ ابومخنف الازدیی، لوط بن یحیی بن سعید، *مقتل الحسین*، تحقیق میرزا حسن غفاری، قم، مکتبهٔ آیهٔ الله العظمی مرعشی نجفی، ١٣٩٨ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

ـ اصفهانی، ابو نعیم احمد بن عبد الله بن احمد بن اسحاق بن موسی بن مهران، *معرفه الصحابه*، تحقیق عادل بن یوسف العزازی، الریاض، دار الوطن للنشر، ١٤١٩ ق/ ١٩٩٨م.
ـ بلاذری، احمد، *فتوح البلدان*، تحقیق صلاح الدین المنجد، القاهره، مکتبه النهضه المصریه، ١٩٥٧م.
ـ بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر بن داود، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار وریاض الزرکلی، بیروت، دار الفکر چاپ اول، ١٤١٧ق- ١٩٩٦ م.
ـ بیهقی، ابراهیم بن محمد، *المحاسن و المساوی*، بیروت، دار الکتب العلمیهٔ منشورات محمد علی بیضون، ١٤٢٠ ق / ١٩٩٩م.
ـ ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، *الغارات*، تحقیق جلال الدین محدث، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول، ١٣٩٥ ق.
ـ حسن خانی، عباس، «بررسی نقش بشیر بن سعید و پسرش نعمان در حوادث صدر اسلام»، تاریخ نو، شماره٧، سال چهارم بهار ١٣٩٣ش.
ـ حیدر، اسد، *همگام با حسین*علیه‌السلام، ترجمه محمدباقر ذوالقدر، تهران، سروش، ١٣٨٣ش.
ـ خوارزمی، موفق بن احمد، *مقتل الحسین (خوارزمی)*، قم، انوار الهدی، چاپ دوم، ١٤٢٣ق/١٣٨١ش.
ـ ذهبی، محمد، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ٤٠٧ق/٩٨٧م.
ـ رازی دولابی، ابی بشر محمّد بن احمد، *الذریّة الطاهرة*، تحقیق سید محمّد جواد حسینی جلالی، مؤسسه نشر اسلامی.
ـ زرکلی الدمشقی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، *الاعلام*، قاهره، دار العلم للملایین، ١٩٧٢ ق- ٢٠٠م.
ـ زرگری نژاد، غلامحسین، *نهضت امام حسین*علیه‌السلام *و قیام کربلا*، تهران، سمت، ١٣٨٣ش.
ـ زکی صفوت، احمد، *جمهره خطب العرب فی عصور العربیه الزاهره*، بیروت، المکتبهٔ العلمیهٔ، ١٣٥٢ق/١٩٣٣.
ـ شاوی، علی، *امام حسین*علیه‌السلام *در مدینه منوره با کاروان حسینی*، مترجم عبدالحسین

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

بینش، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، قم، زمزم هدایت، ۱۳۸٦ ش.
ـ شریف القرشی، باقر، *حیاة الامام الحسین علیه‌السلام*، قم، مدرسه علمیه ایروانی، ۱٤۱۳ش.
ـ شیخ مفید، محمد بن محمد، *الارشاد فی معرفة حجج الله علي العباد*، قم، مؤسسهٔ آل البیت علیهم السلام،چاپ اول، ۱٤۱۳ق.
ـ طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، *الاحتجاج*، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸٦ق/ ۱۹٦٦م.
ـ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ق-۱۹٦۷م.
ـ عابدین، محمدعلی، *زندگانی سفیر حسین علیه‌السلام: مسلم بن عقیل علیه‌السلام*، ترجمه حسن اسلامی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
ـ عزیزی، حسین، پرویز رستگار، یوسف بیات، *راویان مشترک*، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷ش.
ـ مجلسی، محمّدباقر بن محمّد تقی، *بحار الانوار*، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم،۱٤۰۳ ق.
ـ مسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، ۱٤۰۹ق.
ـ منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة صفّین*، تحقیق عبد السلام محمّد هارون، مکتبهٔ آیة الله العظمی مرعشی نجفی، قم، ۱٤۰٤.
ـ واقدی، ابوعبدالله، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، دار الاعلمی، چاپ سوم، ۱٤۰۹ق/م۱۹۸۹.
ـ یعقوبی، احمد بن ابو یعقوب اسحاق بن جعفر بن وهب، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.33.2.6] [Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-05]